

بازنمایی رفتارها و سبک‌های مقابله‌ای فرزندان قربانی خیانت زناشویی والدین: یک مطالعه کیفی Representation of Behaviors and Coping Styles of Children Who are Victims of Parental Marital Infidelity: A Qualitative Study

Fahime Bahonar, PhD

Mahya Sanieemanesh, PhD Student✉

Fatemeh Kianfar, PhD Student

فهیمة باهنر^۱

محیا صنیعی منش^۲

فاطمه کیانفر^۳

Abstract

Marital infidelity is considered a destructive damage in the life of couples, which affects the lives of children in addition to the husband and wife. This research was conducted with the aim of identifying the experiences of behaviors and coping styles of adult children affected by parental infidelity. The method of the current research was a qualitative phenomenological type. The population of this study included adult children affected by marital infidelity of their parents in Tehran in 2020. Sampling continued in a purposeful manner until the saturation limit and finally 10 adult children were selected. The research tool was in-depth interviews. In order to analyze the data, the Colaizzi theme analysis method was used. Data analysis led to the production of 2 selective themes, 12 central themes and 45 open themes. The theme of behavioral reactions and ineffective coping styles included: ineffective interpersonal and individual behaviors. The second main theme of behavioral reactions and effective coping styles also includes supportive behaviors, neutrality, logical behaviors; it was relationship management, education and employment, spirituality, finding meaning, seeking help from a therapist, problem solving, and sticking to fun and activity. In sum, the results of this research showed that the behavioral and coping experience of adult children affected by parental marital infidelity is both pleasant and practical and unpleasant and changeable.

Keywords: Behaviors, Coping Styles, Marital Infidelity, Children

چکیده

خیانت زناشویی آسیبی مخرب در زندگی زوجین به‌شمار می‌رود که علاوه بر زن و شوهر، زندگی فرزندان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این پژوهش با هدف شناسایی تجربه‌های رفتارها و سبک‌های مقابله‌ای فرزندان بزرگسال آسیب‌دیده از خیانت زناشویی والدین انجام شد. روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی بود. جامعه شامل فرزندان بزرگسال آسیب‌دیده از خیانت زناشویی والدین شهر تهران در سال ۱۴۰۰ بود. نمونه‌گیری به‌صورت هدف‌مند و تا مرز اشباع و درنهایت انتخاب ۱۰ فرزند بزرگسال ادامه یافت. ابزار پژوهش مصاحبه‌های عمیق بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون کلایزی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به تولید دو مضمون گزینشی، ۱۲ مضمون محوری و ۴۵ مضمون باز شد. مضمون واکنش‌های رفتاری و سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد شامل: رفتارهای ناکارآمد بین‌فردی و فردی بود. مضمون اصلی دوم واکنش‌های رفتاری و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد نیز دربرگیرنده رفتارهای حمایتی، بی‌طرفی، رفتارهای منطقی، مدیریت روابط، تحصیل و اشتغال، معنویت، معنایابی، استمداد از درمانگر، حل مسئله و تمسک به سرگرمی و فعالیت بود. درمجموع نتایج این پژوهش نشان داد که تجربه رفتاری و مقابله‌ای فرزندان بزرگسال آسیب‌دیده از خیانت زناشویی والدین هم خوشایند و کاربردی و هم ناخوشایند و قابل تغییر است.

واژه‌های کلیدی: رفتارها، سبک‌های مقابله‌ای، خیانت زناشویی، فرزندان

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۹/۱ تصویب نهایی: ۱۴۰۳/۵/۱۸

۱. گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

● مقدمه

مسئله خیانت (infidelity) در روابط زناشویی موضوعی دیرینه است و باتوجه به شیوع روزافزون و آسیب‌های شدید بر عملکرد خانواده، نظر پژوهشگران و درمانگران زوج و خانواده را به‌خود جلب کرده است (فیلیپس، ۲۰۲۰). در متون تعاریف گوناگونی از خیانت ارائه شده است. به‌صورت کلی می‌توان خیانت را به‌عنوان نقض اعتماد یا هنجارهای توافق شده در یک رابطه انحصاری عاشقانه، جنسی و عاطفی تک‌همسری تعریف کرد (سلی و چادری، ۲۰۲۱). همچنین دو شکل عمده خیانت شامل صمیمیت فیزیکی - جنسی (sexual-physical intimacy) و صمیمیت عاطفی (emotional intimacy) است. در خیانت جنسی فرد درگیر رابطه جنسی با شخصی به غیر از همسر خود می‌شود و خیانت عاطفی به‌عنوان برقراری یک رابطه عمیق صمیمانه - عاطفی با شخصی غیر از همسر تعریف می‌شود (مسعودی و اسمحانی اکبری‌نژاد، ۱۴۰۳).

تحقیقات گسترده‌ای به بررسی تأثیر خیانت بر ابعاد متفاوت رابطه زوجی پرداخته است. به‌عنوان مثال نصیری‌جونقانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند خیانت منجر به تمایز یافتگی پایین و عملکرد جنسی ضعیف زوجین می‌شود. با این وجود کاوش کمتری در رابطه با تجربه خیانت توسط افرادی به غیر از زن و شوهر، مانند فرزندان صورت گرفته است. درحالی‌که خیانت را می‌توان به‌عنوان یک رویداد آسیب‌زا یا تروماتیک در نظر گرفت (ورچ و جوزف، ۲۰۲۱). به‌طوری‌که فرزندان پس از آگاه شدن از خیانت والدین هرگز به حالت قبل باز نخواهند گشت و تغییرات روان‌شناختی حائز اهمیتی را تجربه می‌کنند (ایزرائیل و همکاران، ۲۰۲۰).

به‌عبارت دیگر، زمانی که فرزندان درگیر این موضوع شوند، خیانت می‌تواند باعث ایجاد یک اثر موجی بین همسران و کل سیستم خانواده هسته‌ای شود (نگش و مورگان، ۲۰۱۶). محققان دریافته‌اند والدینی که نمی‌توانند به‌شیوه موثری با خیانت مقابله کنند، اغلب فرزندان خود را در معرض تعارض‌های فزاینده‌ای قرار می‌دهند. از این‌رو فرزندان در مواجهه با چنین موقعیت پریشان‌کننده‌ای احساساتی از قبیل احساس گناه، استرس، غم، شوک، پرخاشگری، شرم، بی‌کفایتی و خجالت را تجربه می‌کنند (تان و یاسین، ۲۰۲۰). براساس نتایج پژوهش سلی و چادری (۲۰۲۱) تجربه زیسته بزرگسالانی که در سال‌های ابتدایی زندگی خود شاهد خیانت والدین بودند شامل تبدیل شدن به یک مراقب عاطفی، آگاهی از تمایلات جنسی والدین، چالش در روابط عاشقانه، تجربه‌های روان‌شناختی و درنهایت روش‌های بهبودی است. درواقع علاوه بر اینکه فرزندان نسبت به والد خیانتکار تعارض‌های شدیدی تجربه می‌کنند، ممکن است از طریق والد آسیب‌دیده نیز به شیوه‌های گوناگونی از قبیل مثلث‌سازی (triangulation)، در شرایط استرس‌زای مضاعفی قرار گیرند (سورسون، ۲۰۲۱). لذا آسیب‌هایی که فرزندان در این شرایط متحمل می‌شود بر آینده آنان تأثیرهای ناگواری خواهد داشت. به‌طوری‌که ممکن است آنها به سختی به شرکای خود اعتماد کنند و مشکلات عمده‌ای را در روابط صمیمانه تجربه نمایند. ازطرفی انتقال بین‌نسلی (intergenerational transmission) خیانت و کاهش اخلاق رابطه‌ای (relational ethics) یکی دیگر از چالش‌هایی است که با آن مواجه می‌شوند (ویزر و همکاران، ۲۰۱۷). درنتیجه فرزندان برای مقابله با چنین موقعیت استرس‌زایی و انطباق با آسیب ایجادشده نیازمند اتخاذ راهبردهای مقابله‌ای هستند.

به‌صورت کلی راهبردهای مقابله‌ای می‌توانند به ماهیت و تأثیر پاسخ‌های روانی در شرایط استرس‌زا کمک کنند به نحوی که ممکن است اثرات محافظتی یا مخربی بر سلامت روانی داشته باشند (مک-فرسون، ۲۰۰۳). طبق نظریه لازاروس و فولکمن (۱۹۸۴) مقابله، مهارت‌های شناختی، رفتاری و هیجانی مدیریت در موقعیت تنیدگی‌زا است. باورهای مذهبی و معنوی و دیگر نظام‌های ارزشی، منابع خوبی برای مقابله به حساب می‌آیند و منابع مقابله‌ای مذهبی و معنوی به‌عنوان بعد انگیزشی مدنظر قرار می‌گیرد و ابعاد شناختی و نگرشی مقابله را در مواجهه با بحران تحت‌الشعاع قرار می‌دهند (خدایاری‌فرد و عابدینی، ۱۳۹۴). طبق مطالعه ادبیات پژوهشی در مورد شیوه مقابله‌ای فرزندان که در چنین بستری رشد کرده‌اند، تحقیقات اندکی صورت گرفته است (سورسون، ۲۰۱۷). این در حالی است که بهبودی و ترمیم چنین زخمی باتوجه به تأثیرات گسترده‌ای که دارد به شدت حائز اهمیت است. ازطرفی روش‌های مقابله‌ای می‌تواند در بسترهای فرهنگی گوناگون به‌صورت‌های متفاوتی آشکار شود. درنتیجه لزوم بررسی این مسئله در فرهنگ ایرانی - اسلامی جامعه کنونی احساس می‌شود. تا بدین طریق درک روشن‌تری از وضعیت فرزندان که قربانی این معضل بوده‌اند، ایجاد شود و متخصصان سلامت روانی در این حیطه از اطلاعات دست‌اولی به‌منظور یاری رساندن و آموزش‌های پیشگیرانه بهره‌مند شوند. علاوه بر این، چند

عامل بسیار مهم دیگر باعث شکل‌گیری تحقیق حاضر شد. پژوهشگران درصدد بودند با انجام پژوهشی ادراک عمیقی از رفتارها و سبک‌های مقابله‌ای فرزندان بزرگسال در زمینه خیانت زناشویی والدین‌شان و آثار آن بر فرزندان به‌دست آورند، تا با استفاده از این یافته‌ها بتوانند زمینه‌ای برای تشخیص بهتر در جهت راهنمایی و هدایت تدوین مداخلات مشاوره‌ای در آینده فراهم آورند. بنابراین نوآوری پژوهش حاضر از سه جنبه نظری، کاربردی و روش‌شناختی حائز اهمیت است. مشخص کردن رفتارها و سبک‌های مقابله‌ای فرزندان و تبیین آنها زمینه را برای پژوهش‌های آزمایشی در ادامه فراهم می‌کند. در زمینه پژوهش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌توانند از نتایج و رهنمودهای این پژوهش به‌منظور دستیابی به نتایج پایاتر بهره‌مند شوند. بنابراین پژوهش حاضر از یک سو کمبودهای در این حیطه را جبران می‌کند و از سوی دیگر زمینه‌ای را فراهم می‌کند تا سلامت روانی خانواده و به‌خصوص فرزندان را افزایش دهد. لذا پژوهشگران در این پژوهش درصدد پاسخ‌گویی به این مسئله برآمدند که فرزندان که قربانی خیانت زناشویی والدین‌شان بودند چه رفتاری‌هایی نشان می‌دادند و برای انطباق با شرایط و ترمیم خود از چه روش‌های مقابله‌ای استفاده می‌کردند.

• روش

این پژوهش جزء رویکردهای کیفی (qualitative research) پدیدارشناسی (phenomenology) است. پدیدارشناسی یکی از رویکردهای پژوهش کیفی با ریشه‌های فلسفی متمرکز بر تجربه‌های زندگی انسان‌ها است (محمدپور، ۱۳۹۲). بدین دلیل برای درک رفتارها و سبک‌های مقابله‌ای فرزندان بزرگسال آسیب دیده از خیانت زناشویی والدین، روش پدیدارشناسی اتخاذ شد که به تشریح ساختار یا ماهیت تجربه‌های زندگی و معنی‌بخشیدن به آنها و توصیف دقیق پدیده‌ها از خلال تجربه‌های زندگی روزمره می‌پردازد.

جامعه پژوهش حاضر را فرزندان بزرگسال آسیب دیده از خیانت زناشویی والدین استان تهران در سال ۱۴۰۰ تشکیل دادند. نمونه‌های مورد نظر از طریق روش نمونه‌گیری هدف‌مند (purposive sampling) انتخاب شدند. در این تحقیق از نمونه‌گیری هدف‌مند (غیراحتمالی) از نوع ملاکی (criterion) استفاده شد. در نمونه‌گیری ملاکی ضرورت دارد افراد براساس ملاک خاصی مانند داشتن تجربه یک پدیده خاص انتخاب می‌شوند (بازرگان، ۱۳۹۹). برای به حداقل رساندن ناهمگنی افراد شرکت‌کننده در پژوهش ملاک‌های ورود در نظر گرفته شد که این ملاک‌ها عبارت بودند از: ۱- داشتن تمایل برای حضور در پژوهش، ۲- فرزندان بزرگسال دارای تجربه خیانت زناشویی والدین، ۳- ساکن شهر تهران، ۴- نداشتن سابقه بیماری جسمانی و روانی مزمن و ۵- بازه سنی ۲۰-۳۵ سال. حجم نمونه تا اشیاع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۰ نفر انتخاب شدند. همچنین برای پژوهش ملاک‌های خروج از مطالعه نیز در نظر گرفته شدند که عبارت بودند از: ۱- وجود سابقه بیماری جسمی مزمن، ۲- نبود همکاری مشارکت‌کنندگان و ۳- در دسترس نبودن فرزندان برای انجام مصاحبه. اشیاع داده‌ها رویکردی در پژوهش کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری است و زمانی رخ می‌دهد که داده بیشتری که سبب توسعه، بزرگ‌تر شدن یا اضافه شدن به مفاهیم موجود گردد، به پژوهش وارد نشود (برنز و گروف، ۲۰۱۸).

ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه از نوع نیمه‌ساختاریافته (semi-structured interview) بود. قبل از انجام مصاحبه، به شرکت‌کنندگان در مورد رعایت اصول اخلاقی پژوهش توضیحات لازم داده شد و پس از کسب رضایت‌شان، به آنها پیرامون حق انصراف از مصاحبه و محرمانه بودن مشخصات در کل فرایند پژوهش اطمینان داده شد. همچنین در مورد ضبط مصاحبه از شرکت‌کنندگان اجازه گرفته شد. لازم به ذکر است که برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، در گزارش نقل قول‌ها از عبارت‌های (شرکت‌کننده شماره ۱، ۲ و ...) استفاده گردید و مصاحبه‌ها بین ۶۰-۴۰ دقیقه متناسب با روایت‌ها، میزان تحمل و علاقه مشارکت‌کنندگان به طول انجامید.

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کلایزی (Colaizzi method) استفاده شد که یکی از رویه‌های پرکاربرد تحلیل در تحقیقات پدیدارشناسی است (محمدپور، ۱۳۹۲). طبق این روش، در این پژوهش پس از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی مصاحبه روی کاغذ، چندین مرتبه متن خوانده شد و در ادامه خواندن یافته‌های مهم هر مصاحبه و هم‌احساس شدن با افراد مشارکت‌کننده به‌منظور درک آنها، استخراج جملات مهم در رابطه با پدیده مورد مطالعه، دادن مفاهیم خاص به جملات استخراج‌شده (فرمول‌بندی)، دسته‌بندی مفاهیم مشترک به‌دست آمده، رجوع به مطالب اصلی و مقایسه ایده‌ها و ترکیب آنها، توصیف نهایی پدیده مورد مطالعه و در نهایت بازگردانی توصیف پدیده‌ها به مشارکت‌کنندگان در راستای معتبرسازی نتایج انجام شد.

گوبا و لینکلن (۱۹۹۴) قابلیت اعتماد (trustworthiness) را به‌عنوان معیاری برای جایگزینی روایی و اعتبار در مطالعات کمی مطرح کردند تا به کمک آن دقت علمی را در پژوهش کیفی ارزیابی کنند. در این پژوهش نیز در خصوص معیار اول مورد با عنوان باورپذیری (credibility) از دو روش استفاده شد. در روش اول؛ یعنی بررسی توسط شرکت‌کنندگان، پس از هر مصاحبه و تایپ کردن متن آن، با فرد مصاحبه‌شونده با ایمیل ارتباط برقرار شد و علاوه بر متن مصاحبه، تحلیل‌های ابتدایی پژوهشگر در اختیار وی قرار گرفت تا از این طریق از صحت برداشت‌های مصاحبه‌کننده با بازخورد مصاحبه‌شونده اطمینان حاصل شود. همچنین در روش دوم اعتباربخشی؛ یعنی توصیف توسط همتایان از پژوهشگر مجرب که قبلاً مطالعه‌ای کیفی را انجام داده و از این روش استفاده کرده بود، خواسته شد تا یکی از متن‌های مکتوب مصاحبه‌های انجام شده را پس از مطالعه کل متن و با در نظر گرفتن یادداشت‌های محقق؛ قبل و حین مصاحبه به اختصار تفسیر کند و مکتوب سازد. در خصوص معیار انتقال‌پذیری (transferability) محققان سعی کردند تا توصیفی جامع و غنی از شرایط شرکت‌کنندگان شامل سن، جنس، تحصیلات، شغل، سن و مدت زمان تجربه خیانت گزارش کنند. در خصوص معیار اطمینان‌پذیری (dependability) از روش کفایت ارجاعی (inference adequacy) استفاده شد. بدین صورت که محقق در خصوص مفاهیم مطرح شده از سوی مشارکت‌کنندگان نقل قول مستقیمی از آنچه مصاحبه‌شونده اظهار می‌دارد، بیان می‌کند. در نهایت، برای اعتبار تأییدپذیری (confirmability) به اعتقاد گوبا و لینکلن (۱۹۹۴) آزمون تشخیص (auditing) می‌تواند به تحقق معیارهای اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری به صورت هم‌زمان منجر شود؛ بر این اساس، چند مورد از متن‌های مصاحبه همراه با خلاصه‌های تفسیری محقق در اختیار متخصصی موضوعی قرار گرفت و تأیید وی در صحت فرایند تحلیل داده‌ها دلیلی برای وجود این معیار تلقی شد.

• یافته‌ها

جدول نمونه پژوهش حاضر تعداد ۱۰ نفر از فرزندان بزرگسال آسیب‌دیده از خیانت زناشویی والدین بودند. از بین ۱۰ نفر شرکت‌کننده، تعداد ۵ نفر (۵۰ درصد) دختر و ۵ نفر (۵۰ درصد) پسر بودند. همچنین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۸/۱ سال، میانگین میزان تحصیلات (۶ نفر) ۶۰ درصد لیسانس، (۳ نفر) ۳۰ درصد فوق لیسانس و (یک نفر) ۱۰ درصد دکتری بودند. ۵ نفر (۵۰ درصد) سابقه تجربه خیانت زناشویی از سمت پدر و ۵ نفر (۵۰ درصد) سابقه تجربه خیانت زناشویی از سمت مادر را داشتند و میانگین مدت زمان خیانت زناشویی والدین شان ۱۶/۴ سال بود. در ادامه به تشریح اطلاعات به‌دست آمده از مشارکت‌کنندگان پرداخته شد.

جدول ۱. مضامین باز، محوری و گزینشی مصاحبه‌شوندگان

مضامین گزینشی	مضامین محوری	مضامین باز	مضامین محوری	مضامین گزینشی
واکنش‌های رفتاری و سبک‌های مقابله‌ای	بین‌فردی	وابستگی در روابط بخشش افراط‌گونه افراد ابراز خشم	مضامین باز	مضامین گزینشی
ناکارآمدی	رفتارهای	انتقام‌گیری بی‌توجهی به اطرافیان	مضامین باز	مضامین گزینشی
ناکارآمدی	بین‌فردی	حل مشکلات زناشویی توسط فرزند دریافت نگاه	مضامین باز	مضامین گزینشی
ناکارآمدی	رفتارهای	تحقیق‌آمیز اطرافیان گریه و زاری گوشه‌گیری سرکوب خود	مضامین باز	مضامین گزینشی
فردی	رفتارهای	رفتارهای اضطراب‌زا	مضامین باز	مضامین گزینشی

"زیادی می‌بخشیدم هر مردی رو، من یه رابطه ۸ ساله داشتم، ۸ سال با یه آدمی بودم که توی اون رابطه خیلی آزار و اذیت شدم، خیلی بد، می‌بخشیدم هر اتفاقی که می‌افتاد" (۱)
"من خشمم به بابام نشون دادم همراه گریه، یعنی خشم و اشک با هم بود و داد می‌کشیدم که چرا اینکارو کردی" (۲)

"خیلی خودمو سرکوب می‌کردم، یعنی همه هیجان‌ات خودمو سرکوب می‌زدم که دیگران نفهمن، چون بابام که منو نمی‌پذیرفت و می‌گفت این قضیه به تو ربطی نداره و مامانم هم نمی‌خواستم ناراحت بشه" (۴)

"دوره‌ها بود که من خیلی خودارضایی می‌کردم، خیلی خیلی زیاد انگار که این شده بود تفریح من، از بس که من هیچ ابراز احساسی نداشتم" (۵)

<p>خیال‌پردازی افراطی خودارضایی افراطی حمایت از مادر دریافت همدلی از دیگران رفتارهای حمایتی</p> <p>"به لحاظ حمایتی همیشه خاله و پدر بزرگم حامی ما بودن، ولی یادمه اون دوره نوجوونی فکر می‌کنم همه خانواده مادرم این داستان خیانت بابارو فهمیده بودن، فقط به نگاه‌های تحقیرآمیزی از سمت شون یادمه، اونا هم باز مستقیم هیچی نگفتن" (۳)</p> <p>"من همیشه، همون اول هم گفتم مامانمو به قدیسه می‌دیدم و هنوز هم همینجوریه، سعی می‌کردم که بیشتر به اون کمک بکنم، مثل اینکه در کنارش که داره گریه می‌کنه، مثلا سعی کنم امیدوارش بکنم" (۷)</p>	<p>رفتارهای حمایتی</p>	
<p>"در مورد این موضوع حرف یا واکنش خاصی نداشتم" (۸)</p> <p>"یعنی واکنش خاصی نشون نمی‌دادم، اگه مثلا ناراحت می‌شدم و حالا هرچی، توی خودم بود دیگه، شاید مثلا ظاهرم ناراحت بود ولی مثلا نمی‌رفتم بشینم به فرض با بابام دعوا کنم یا واکنش خاصی نسبت بهش نشون بدم" (۲)</p> <p>"من تنها کاری که کردم این بود که بعد از اینکه آتیش ماجرا خوابیده، رفتم و شروع کردم به نوشتن رفتارهای اشتباه هم مادرم هم پدرم. و الان می‌دونم نباید چکارهایی انجام بدم" (شرکت‌کننده شماره ۹)</p>	<p>بی‌طرفی رفتارهای اخلاقی</p>	
<p>"خیلیا تو خانواده پدریم یا مادریم می‌گفتن حق با اینه یا اونه ولی من چون باهاشون زندگی کرده بودم حق رو می‌دادم به اونی که لایقش بود" (شرکت‌کننده شماره ۱۰)</p>	<p>درس عبرت از رفتارهای اشتباه والدین انجام رفتارهای واقع‌بینانه همراهی دوستان حفظ حریم شخصی</p>	
<p>"خب یکی از دوستانم که کلاً خیلی همدله و من باهاش راحت‌تر خب اون خیلی باهام همدلی می‌کردم، کمکم می‌کرد که مثلا احساساتمو ببینمشون" (۱)</p> <p>"کلاً هم از آدمای خیلی سرد شدم خیلی از آدمای فاصله گرفتم خیلی بی‌اعتماد شدم نسبت به آدمای، خیلی روی آدمای دیگه حساب نمی‌کنم" (۳)</p>	<p>ارتباط با خواهر و برادر ایجاد اعتماد در روابط احتیاط در روابط</p>	<p>مدیریت روابط واکنش‌های رفتاری و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد</p>
<p>"انگار که کاملاً به سپر دفاعی پیدا کرده بودم با درس‌خواندن و نمی‌خواستم اصلاً به این ماجراها فکر کنم، همش گوشامو می‌گرفتم و درس می‌خوندم" (۳)</p> <p>"بعد من توی یه تائیمی که با بچه‌ها کار می‌کردم یعنی توی مهدکودک که کار می‌کردم، وقتی که وارد مهدکودک می‌شدم و بچه‌هارو می‌دیدم خیلی حالتم خوب می‌شد" (۱)</p> <p>"هیچوقت توکلمو به خدا از دست ندادم، همیشه خدا رو در کنار خودم دیدم، شاید به موقعایی بوده که مثلاً ناامیدی سراغ هممون میاد، حتی کفرم می‌گیم ولی خیلی زود برطرف می‌شد" (۲)</p>	<p>یافتن شغل ادامه تحصیل توکل به خدا توسل به خدا انجام مناسک دینی</p>	<p>تحصیل و اشتغال معنویت</p>
<p>"توی دوران حالا مثلاً نوجوانی با توجه به چیزایی که حالا مثلاً بهمون گفته بودن، چرا مثلاً نماز انجام می‌دادم گاهی حالتم خوب بشه، ولی بعدش همینطوری با خدا حرف می‌زدم" (۶)</p> <p>"فهمیدم که توی زندگی فقط خودمم، هیچکس دیگه همراهم نیست، حتی نزدیکترین دوستم نمی‌تونه کنار من زیر شونه من باشه" (۷)</p> <p>"این اتفاق باعث شد دیدم نسبت به همچی عوض بشه، خودم و زندگی خیلی عوض شد. مثلا هدف برای خودم تعیین کردم و تا زمانی که بهشون نرسم ول کن نیستم" (۳)</p>	<p>صحبت با خدا تغییر دیدگاه نسبت به زندگی تغییر دیدگاه نسبت به خود تغییر دیدگاه نسبت به دیگران خودشکوفایی خودشناسی استقلال</p>	<p>معنایابی</p>
<p>"به خصوص این مشاور آخری، در صورتی که مشاورای قبلی اینطوری نبودن همش احساس می‌کردم که آدمایی بودن که هی می‌خواستن منو ببرن و بیارن و خیلی کند داره پیش میره، این مشاوره خیلی مؤثر بوده در کنار اینکه حالا خودم هم سعی کردم تغییر کنم" (۵)</p> <p>"خب بیشتر رفتارای من کم کم رفت سمت اثبات کردن بیماری بابا، ولی یه دوره‌ای هم فکر می‌کردم که برم انتقام بگیرم و منم وارد رابطه بشم که مشاورم بهم گفت چه می‌خوای تو هم انتقام بگیری، گفتم آره، بعدش گفتم همین باعث شد که این کارو نکنم، متوجه شدم، منم لب مرز این بودم که برم وارد رابطه بشم" (۳)</p>	<p>مراجعه به مشاور تخلیه هیجانی انجام تکالیف مشاور</p>	<p>استعداد از درمانگر</p>

ارتقا تاب‌آوری	"می‌خواستم مشکلات خودمو حل بکنم و مشکلات بقیه رو از طریق این رشته حل بکنم. کم کم انگار جرقه‌های اولیه‌ای از امید توی من شکل گرفت و رفتم سراغ والدینم برای حلش"	حل مسئله	تعیین هدف برای زندگی
	(۹)		
	"توی این مدت خیلی سعی کردم روی تحمل خودم کار کنم بعدش به مادرم گفتم که برای حل مشکل بیا مقاومت باشیم" (۱۰)		
مطالعه کردن	"۲-۳ سال پیش یکی از دوستانم اومد خونمون و داشت با من راجع به کتاب تئوری انتخاب صحبت می‌کرد بعد خلاصه داشتیم با هم صحبت می‌کردیم و به من می‌گفت که خیلی کتاب باحالیه ازین حرفا، بعد نمی‌دونم چی شد و اون لحظه مامانم اومد کنار ما بعد راجع به کتاب حرف می‌زدیم" (۲)	تمسک به سرگرمی و فعالیت	دوره‌های دوستانه
بازی کردن	"اینکه برم و دختر دایمو ببینم بازی بکنیم، برم مدرسه برم پیش دوستانم یا درس بخونم خیلی کمکم می‌کردن که حالم خوب باشه" (۳)		

همانطور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، تجزیه و تحلیل داده‌ها در خصوص پدیدارشناسی رفتارها و سبک‌های مقابله‌ای فرزندان بزرگسال آسیب دیده از خیانت زناشویی والدین، منجر به تولید دو مضمون گزینشی، ۱۲ مضمون محوری و ۴۵ مضمون باز گردید.

• بحث

مضمون اصلی اول شناسایی شده در این پژوهش واکنش‌های رفتاری و مقابله‌ای ناکارآمد بود که فرزندان قربانی رابطه فزانشویی والدین به صورت هیجانی و حتی آسیب‌زا از خود بروز دادند. در تبیین رفتارهای ناکارآمد بین فردی می‌توان گفت، افرادی که متوجه خیانت والدین خود می‌شوند ممکن است واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دهند. گاهی آنها، نمی‌توانند کنترل رفتاری داشته باشند و در تنظیم هیجان خود دچار مشکل می‌شوند. در نتیجه برای داشتن ارزیابی‌های درست در مواقع هیجان‌زا نیازمند آموزش هستند. همچنین بررسی خودگزارشی‌های افرادی که شاهد خیانت بوده‌اند، نشان داد که در روابط خود اضطراب دلبستگی بالایی تجربه می‌کنند، به همین دلیل تمایل دارند جهت حفظ روابط خود وابسته‌تر باشند (چوبی و کانگاس، ۲۰۲۰). گاهی نیز فرزندان احساس می‌کنند بین والدین گیر افتاده‌اند، از این‌رو احساس خشم زیادی تجربه می‌کنند و این خشم را نه تنها نسبت به والدین خود بلکه نسبت به دیگران نیز بروز می‌دهند (سورسون، ۲۰۲۱). علاوه بر این موارد، این افراد احساساتی مانند شرم را نیز تجربه می‌کنند، زیرا به خاطر خیانت والدین‌شان مورد قضاوت قرار می‌گیرند و نسبت به والد آسیب‌دیده نیز احساس شرم دارند که نتوانسته‌اند به خوبی از او مراقبت کنند. این احساس شرم گاهی باعث می‌شود خود را نسبت به زندگی خانوادگی و والد آسیب‌دیده مسئول دانسته و تلاش کنند که زندگی به روال سابق برگردد (سلی و چادری، ۲۰۲۱). از مواردی دیگر که افراد در مقابله با خیانت والدین به کار می‌برند، بخشش است. در بررسی آخوندی و همتی (۱۳۹۸)، بخشش به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ بنیان زندگی خانوادگی در نظر گرفته می‌شود.

مضمون فرعی دوم رفتارهای ناکارآمد فردی شناسایی شد که شامل گریه و زاری، گوشه‌گیری، سرکوب خود، رفتارهای اضطراب‌زا، خیال‌پردازی افراطی و خودارضایی افراطی بود. به دلیل فشار روانی ناشی از خیانت و سهمگین بودن هیجانات منفی تجربه شده، گاهی این واکنش به شکل شدید هم پدیدار می‌شود. از این‌رو گریه کردن به عنوان یکی از ابتدایی‌ترین واکنش افراد به مسائل اضطراب‌زا و فقدان‌های زندگی قابل ذکر است (صلواتی و همکاران، ۲۰۱۸). افرادی که متوجه خیانت می‌شوند به دلیل احساس شرم و گناه، احساس غم و افسردگی و ترس از افشای خیانت و مورد قضاوت قرار گرفتن، از دیگران دوری می‌کنند. این انزوا شامل دوری از اطرافیان و دوستان و تمایل برای تنها بودن است. همچنین زمانی که فرد احتمال می‌دهد دوباره خیانت رخ دهد، بیشتر احساس تنهایی می‌کند زیرا حس می‌کند در مقابله با فشارهای زندگی تنها است و تمایل ندارد در این مورد با دیگران صحبت کند. به عبارت دیگر این افراد از صمیمت می‌ترسند، به همین دلیل روز به روز می‌توانند تنهایی بیشتری را تجربه کنند. از دیگر روش‌های ناکارآمدی که این افراد جهت مقابله با خیانت والدین خود به کار بردند، خودارضایی بود که از نظر خودشان راهی برای تخلیه هیجانات منفی و دوری از مشکلات خانواده بوده است. پژوهش اصغری نکاح و مهاجر بعد (۱۳۹۹)، نشان می‌دهد که خودارضایی در نوجوانان یکی از نتایج وجود مشکلات خانوادگی و ارتباطی در نوجوان است. بر این اساس می‌توان تبیین کرد که رابطه فزانشویی در والدین به عنوان یک عامل اضطراب حائز اهمیت می‌تواند زمینه را برای رفتارهایی مقابله‌ای ناکارآمدی از جمله خودارضایی فرزندان فراهم نماید.

مضمون اصلی دوم شناسایی شده در این پژوهش واکنش‌های رفتاری و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد بود که فرزندان قربانی رابطه فرزان‌ناشویی والدین از خود نشان دادند. مضمون فرعی اول رفتارهای حمایتی بود که توسط فرزندان به کار گرفته شده بود. در واقع خیانت در خانواده می‌تواند تعارض‌های شدیدی را ایجاد کند، زیرا اعتماد به عنوان یکی از اصلی‌ترین پایه‌های زندگی از بین رفته یا به شدت آسیب دیده است. در نتیجه فضای صمیمی خانواده می‌تواند بسیار متشنج باشد. به همین دلیل فرزندان سعی می‌کنند از والد آسیب‌دیده حمایت کنند. در این راه تلاش می‌کنند با حمایت و مراقبت‌های بیشتر، آسیب‌های ناشی از خیانت را در والدشان تقلیل دهند (سورسون، ۲۰۱۷). در واقع فرزندان تلاش می‌کنند با حمایت کردن از والدین خود به خصوص والد آسیب‌دیده از بروز مشکلات بیشتر جلوگیری کنند و رنج والد آسیب‌دیده را کاهش دهند.

مضمون فرعی دوم بی‌طرفی بود که در چنین شرایطی فرزندان سعی می‌کنند با هیچ‌یک از والدین ائتلاف نکنند و نسبت به والد خائن و آسیب‌دیده موضع خنثی داشته باشند. در واقع تلاش می‌کنند برخوردی با آنان نداشته باشند و در بحث‌ها و مشکلات ناشی از خیانت والدین دخالتی نمی‌کنند. فرزندان بنا به رفتارهای والدین به‌هنگام رخداد خیانت اینگونه تبیین می‌کنند که باید بین والدین‌شان یک نفر را انتخاب کرده و دیگری را از دست بدهند، از این رو سعی می‌کنند با رها کردن والدین به حال خودشان، وارد این چالش نشوند (آپرل و اسکروودت، ۲۰۱۹).

مضمون فرعی سوم رفتار منطقی بود که به عنوان رفتار مقابله‌ای کارآمد مورد استفاده قرار گرفته بود. اثرات خیانت والدین صرفاً به زمان حال و رابطه با والدین محدود نمی‌شود. فشار روانی خیانت برای اعضای خانواده به قدری است که افراد نمی‌خواهند این تجربه تکرار شود بر این اساس تلاش می‌کنند در روابط آتی محتاط‌تر باشند تا به این سرنوشت دچار نشوند. در واقع تعارضات خانواده با وجود تأثیرات منفی که دارد می‌تواند بستری فراهم کند تا افراد تلاش بیشتری جهت تأمین نیازهای اساسی داشته باشند و در نهایت وارد یک رابطه سالم گردند (قاسمی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۲).

مضمون فرعی چهارم مدیریت روابط بود که به عنوان رفتار مقابله‌ای کارآمد مورد استفاده قرار گرفته بود. احتیاط در روابط صرفاً به شکل‌گیری روابط محدود نمی‌شود بلکه در انتخاب شریک جنسی و روابط طولانی مدت نیز نمایان می‌شود. همچنین به دلیل بدبینی که برای‌شان ایجاد شده، سعی می‌کنند ابتدا اعتماد را در رابطه‌شان ایجاد کنند و از منابع حمایتی مانند دوستان و اعضای خانواده استفاده می‌کنند تا بتوانند به شرایط عادی زندگی برگردند. در واقع دوستان و اعضای خانواده مانند خواهران و برادران می‌توانند با ایجاد منابع حمایتی لازم، به فرد کمک کنند که از چالش‌های خانوادگی به شکل درست‌تر گذر کند. یکی دیگر از راهبردهای مورد استفاده حریم شخصی بود. از آنجایی که افراد به عنوان یک عضو خانواده در نظر گرفته می‌شوند، هر مسئله مربوط به خانواده به اعضا نیز مربوط است. مشکلات خانوادگی باعث می‌شود فرزندان بسیار تحت تأثیر مشکلات قرار بگیرند. بر همین اساس سعی می‌کنند حریم خود را با دیگران حفظ کنند و در نهایت کمتر مورد قضاوت قرار بگیرند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱).

مضمون فرعی پنجم تحصیل و اشتغال بود که به عنوان یکی دیگر از روش‌های مقابله‌ای کارآمد افراد در مورد موضوع خیانت والدین، به کار گرفته شده بود. با اینکه خیانت والدین می‌تواند به دلیل فشار روانی زیاد برای فرزندان باعث ضعف در امور تحصیلی و کاری شود اما گاهی آنها برای دوری از افکار ناراحت‌کننده ناشی از خیانت والدین، با دقت و جدیت بیشتری به کار و تحصیل مشغول می‌شوند تا ذهن‌شان را از هر آنچه رخ داده دور نگه دارند (سیگوان و همکاران، ۲۰۲۱). بر اساس بررسی ادبیات پژوهشی ممکن است که فرزندان در مواقع بحرانی در خانواده دچار افت تحصیلی و ناکارآمدی شغلی شوند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱)، با این وجود نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که این مورد برای همه افراد عمومیت ندارد و گاهی افراد برای فرار از شرایط ایجاد شده یا حل کردن ضایعه ایجاد شده به دنبال جبران مسئله می‌روند.

مضمون فرعی ششم با عنوان معنویت معرفی شد. در واقع اعتقادات درونی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌ها جهت پیش‌بینی عملکرد افراد در مواقع بحرانی است و فرزندان به دلیل نیاز و عقاید درونی خود که خواهان حفظ زندگی هستند تلاش می‌کنند؛ بخشنده باشند و با حفظ آرامش و کمک گرفتن از اعتقادات خود، برای حفظ خانواده اقدامات لازم را انجام دهند (سورسون، ۲۰۱۷). در حقیقت تمسک به معنویت در مواقع اضطراب‌زا و شرایط سخت، به عنوان یک عامل آرامش‌بخش در نظر گرفته می‌شود، که فرد سعی می‌کند از آن به عنوان

راهی برای عبور از شرایط نامناسب زندگی استفاده کند. از این رو درمان‌گران سعی می‌کنند معنویت را بررسی نمایند و از آن به‌عنوان راهی برای مقابله با خیانت استفاده کنند (آریا پوران و حاجی مرادی، ۲۰۲۱).

مضمون فرعی هفتم معنایابی بود. فرزندان تلاش می‌کنند با یافتن مفهوم و معنی از شرایط استرس‌زایی که تجربه می‌کردند، قدم‌های محکم‌تری جهت بهبودی و عبور از آن موقعیت بردارند. یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که فرد به‌عنوان روش مقابله‌ای با خیانت والدین به‌کار می‌برد، به نام خودشناسی معروف است. با توجه به اینکه این اتفاق کاملاً از کنترل خارج بوده و هیچ‌کس منتظر رخداد این موضوع نیست، از این رو اتفاقی آسیب‌زا است. اما اگر فرد آن را به‌عنوان تجربه یا یک درس از زندگی بداند، می‌تواند با شناخت خود بهتر از این شرایط عبور کند. علاوه بر این، معنادرمانی از جمله اقداماتی است که جهت بهبود وضعیت قربانیان خیانت موثر واقع شده است (امانی و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو، افراد برای مقابله با خیانت می‌توانند به‌تنهایی یا به کمک دیگران مانند درمانگران فرایند معنایابی را انجام دهند و سعی کنند با رخداد پیش آمده به‌شکل مؤثرتری برخورد کنند.

مضمون فرعی هشتم با نام استمداد از درمانگران معرفی شد. به‌دلیل اینکه خیانت روی سیستم‌های اجتماعی به خصوص خانواده اثرات منفی زیادی دارد، حضور متخصصان حوزه روان می‌تواند در عبور از این شرایط کمک‌کننده باشد (نگش و مورگان، ۲۰۱۶). درمانگران باعث می‌شوند که افراد با بخش‌های سرکوب‌شده خود به‌شکل سالم مواجه شوند و درنهایت بتوانند با مسئله آسیب‌زای خیانت والدین به‌شکل مؤثرتری برخورد کنند. در تمامی درمان‌ها درمانگر به‌دنبال بررسی عوامل شکل‌گیری خیانت، تلاش برای احیای زندگی با ایجاد بخشش و مهارت‌های لازم برای ادامه زندگی یا کمک به افراد برای داشتن زندگی عادی بعد از جدایی هستند. درواقع فارغ از روش درمانی که درمانگر به‌کار می‌گیرد، حضور چنین فرد متخصص و همپاری می‌تواند در عبور از فاجعه رخ داده به‌شکل سازنده‌ای اثرگذار باشد (صفرپور و همکاران، ۱۳۹۹).

مضمون فرعی نهم حل مسئله بود. دراصل خیانت به‌عنوان یک مسئله اضطراب‌زا نیازمند مهارت‌هایی برای حل مسئله است. یکی از بهترین راهکارها داشتن هدف به‌دلیل ایجاد امید در زندگی و داشتن تاب‌آوری به‌منظور تحمل کردن اوضاع است. در این شرایط برای افزایش تاب‌آوری پیشنهاد می‌شود که افراد از منابع حمایتی مانند اعضای خانواده و دوستان استفاده کنند تا در این زمان آسیب کمتری ببینند (سورسون، ۲۰۱۷). بر این اساس درمانگران تقویت تاب‌آوری را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌ها برای کمک به افراد خیانت دیده درنظر می‌گیرند. درواقع تاب‌آوری می‌تواند با افزایش عواطف مثبت درمقابل اتفاقات منفی، باعث رشد فردی شود.

درنهایت مضمون فرعی آخر روش‌های مقابله‌ای کارآمد تمسک به سرگرمی و فعالیت است. بر این اساس نتایج پژوهش سیگوان و همکاران (۲۰۲۱)، نشان می‌دهد که فرزندان در این شرایط جهت دوری از فضای منفی خانواده سعی می‌کنند وقت خود را در خارج از خانه بگذرانند و یکی از مهم‌ترین انتخاب آنان برنامه‌های مختلف سرگرمی از جمله کلاس‌های ورزش و کلاس آموزشی است. در پژوهش آسایش و همکاران (۱۴۰۰) که واکنش زنان قربانی خیانت را بررسی نمودند، به این نتیجه دست یافتند که یکی از روش‌های سازگاران در مقابله با خیانت تمسک به سرگرمی و فعالیت‌های مورد علاقه از جمله سرگرم کارشدن، انجام فعالیت‌های ورزشی، هنری و ادبی، مطالعه، خرید و قدم‌زدن است. براساس نتایج پژوهش حاضر فعالیت‌هایی مانند مطالعه، دوره‌های دوستانه و بازی کردن از واکنش‌های سازگاران‌های بودند که افراد جهت مقابله با خیانت والدین به‌کار بردند.

• نتیجه‌گیری

متن خیانت و پیمان‌شکنی در روابط زناشویی به‌عنوان یکی از عوامل نابودکننده اعتماد در زندگی معرفی می‌شود. اثرات پیمان‌شکنی صرفاً به زوجین محدود نمی‌شود، بلکه درصورت حضور فرزند در آن خانواده می‌تواند مشکلات زیادی برای آنان نیز ایجاد کند. محدودیتی که در این پژوهش وجود داشت این بود که در اجرای پژوهش حاضر از روش کیفی و اجرای مصاحبه استفاده شد که ممکن است باعث شده باشد بخشی از اطلاعات سهواً نادیده گرفته شده باشد. با این وجود نتایج پژوهش حاضر، می‌تواند به‌عنوان نقشه راهی برای کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت والدین روی فرزندان باشد و به متخصصان حوزه سلامت روانی کمک کند که بتوانند فاکتورهای مهم به‌دست‌آمده از این پژوهش را درنظر بگیرند و در مداخله‌های درمانی خود از آنان استفاده کنند تا در نهایت افراد آسیب دیده از خیانت والدین بتوانند به‌شکل سالم‌تری به زندگی خود ادامه دهند. براساس نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که رفتارهای

مقابله‌ای دختران و پسران به شکل مقایسه‌ای انجام شود. همچنین می‌توان این پژوهش را در رده‌های سنی مختلف نیز اجرا کرد که در نهایت سبک‌های مقابله‌ای افراد با توجه سن و جنسیت استخراج شود.

• تعارض منافع

نویسندگان اظهار کردند در این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

• تقدیر و تشکر

از کلیه افرادی که ما را در انجام این پژوهش همراهی کردند، سپاسگزاریم.

• منابع

- آخوندی، محمدباقر؛ همتی، فاطمه. (۱۳۹۸). مطالعه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری فرایند طلاق (مورد مطالعه: شهر مشهد). *مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان*، ۱۴(۲)، ۷-۲۹.
- آسایش، محمد حسن، گلپاشا، الهه؛ باهنر، فهمیه. (۱۴۰۰). تبیین تجارب رفتاری و مقابله‌های روان‌شناختی زنان قربانی رابطه‌فرازشوایی: یک تحقیق کیفی. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*، ۱۲(۴)، ۲۵۱-۲۶۹.
- اصغری نکاح، سیدمحسن؛ مهاجربعد، زهرا. (۱۳۹۹). کاوشی کیفی در عوامل سوق‌دهنده دختران نوجوان به خودارضایی از منظر الگوی تربیت جنسی خانواده محور مبتنی بر رشد. *خانواده و سلامت جنسی*، ۲(۱)، ۷-۱۰-۲۰.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۹). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*. تهران، نشر دیدار.
- خدایاری فرد، محمد و عابدینی، یاسمن. (۱۳۹۴). *نظریه‌های و اصول خانواده درمانی با تأکید بر رویکردهای نوین درمان شناختی- رفتاری و معنوی- مذهبی*. تهران: نشر دانشگاه تهران.
- رضایی، شهلا؛ آل‌آقا، نیکی؛ باقری‌پیاذآبادی، زهرا. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر مشکلات خانوادگی به‌ویژه طلاق عملکرد تحصیلی کودکان و دانش‌آموزان ابتدایی. *ریافت‌های نوین در مطالعات اسلامی*، ۱۰(۴)، ۱۱۷-۱۳۰.
- صفرپور، ملیحه؛ بخشی‌پور جویباری، باب‌الله، عباسی، قدرت‌الله. (۱۳۹۹). اثربخشی بخشایش‌درمانگری بر طلاق هیجانی همسران خیانت‌دیده. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۰(۲)، ۱۳۷-۱۶۴.
- قاسمی‌مقدم، کبری؛ شفیق‌آبادی، عبدالله؛ شریفی، اصغر. (۱۴۰۲). تبیین الگوی پیش‌بینی تعارضات زناشویی دانشجویان براساس نیازهای اساسی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۷(۱)، ۵۹-۵۱.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مسعودی، زهرا؛ اسمخانی‌اکبری‌نژاد، هادی. (۱۴۰۳). اثربخشی زوج‌درمانی‌هیجان‌مدار بر بخشش و صمیمیت‌جنسی زنان آسیب‌دیده از خیانت زناشویی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸(۲)، ۱۷۱-۱۶۲.
- نصیری‌جونقانی، مهناز؛ اصغری، فرهاد؛ پورصفر، علی. (۱۴۰۰). بررسی رابطه ساختاری طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تمایزیافتگی و عملکردجنسی باتمایل به روابط فرازشوایی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۵(۳)، ۵۵-۷۵.
- Ariapooran, S., & Hajimoradi, R. (2021). The Role of Spirituality Well-being, Forgiveness, and Marital Self-Disclosure in Internet Infidelity in Couples: A Survey Study. *Family Counseling and Psychotherapy*, 11(1), 1-34.
- Blodgett Salafia, E. H., Schaefer, M. K., & Haugen, E. C. (2014). Connections between marital conflict and adolescent girls' disordered eating: Parent-adolescent relationship quality as a mediator. *Journal of Child and Family Studies*, 23(6), 1128-1138.
- Burns, N., & Grove, S. K. (2018). *Understanding Nursing Research-eBook: Building an Evidence-Based Practice*. Texas: Elsevier Health Sciences.
- Choi, K. J., & Kangas, M. (2020). Impact of maternal betrayal trauma on parent and child well-being: Attachment style and emotion regulation as moderators. *Psychological Trauma: Theory, Research, Practice, and Policy*, 12(2), 121-130.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1994). *Competing paradigms in qualitative research*. *Handbook of qualitative research*, 2(163), 105-118.
- Israel, A. C., Malatras, J. W., & Wicks-Nelson, R. (2020). *Abnormal child and adolescent psychology*. Routledge.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- McPherson, S. (2003). Stress and coping in accident and emergency senior house officers. *Emergency Medicine Journal*, 20(3), 230-231.

- Negash, S., & Morgan, M. L. (2016). A family affair: Examining the impact of parental infidelity on children using a structural family therapy framework. *Contemporary Family Therapy*, 38(2), 198-209.
- Phillips, L. (2020). Recovering from the trauma of infidelity. *Counseling Today*, 62(10), 40-45.
- Salavati, S., Mootabi, F., & Sadeghi, M. S. (2018). Reaction to Infidelity in Iranian couples: A Phenomenological Study. *Int J Behav Sci*, 11(4), 135-141.
- Salih, L., & Chaudry, S. (2021). Exploring the lived experience of parental infidelity. *Journal of Family Studies*, 2(5), 1-24.
- Siguan, A., Ong, M. F. T., & Marie, S. I. (2021). The impact of infidelity on Filipino family dynamics and young adult's Filipino's self-concept. *Journal Pengajian Umum Asia Tenggara*, 22, 14 – 37.
- Tan, W. N., & Yasin, M. (2020). Parents' roles and parenting styles on shaping children's morality. *Universal Journal of Educational Research*, 8(3C), 70–76.
- Thorson, A. R. (2017). Communication and Parental Infidelity: A Qualitative Analysis of How Adult Children Cope in a Topic-Avoidant Environment. *Journal of Divorce & Remarriage*, 58(3), 175–193.
- Thorson, A. R. (2021). Triangulation and Parental Infidelity: Faithful Parents' Attempts to Make Their Adult Children Feel Caught, Rumination, and Satisfaction in the Unfaithful Parent–Child Relationship. *Journal of Divorce & Remarriage*, 62(5), 327-348.
- Warach, B., & Josephs, L. (2021). The aftershocks of infidelity: a review of infidelity-based attachment trauma. *Sexual and Relationship Therapy*, 36(1), 68-90.
- Weiser, D. A., Weigel, D. J., Lalasz, C. B., & Evans, W. P. (2017). Family background and propensity to engage in infidelity. *Journal of Family Issues*, 38(15), 2083–2101.

